

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אוריאל דויד

ויקהל-פקודי

جهت مفض قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

۲۵ آذار ۵۷۸۰

5 תורה ויש נג

ولی وقتی همه هستند و به کنیسا می‌آیند و یک دل و متحد با هم تفیلا می‌خوانند، این تفیلا در نزد خد-اوند قبول شده و خد-اوند جواب تفیلائی ما را می‌دهد.

در هلاخاهای تفیلا آمده است اگر در روز روش هسانا و کیپور، نماینده جماعت از کسی خوشش نمی‌آید و نیت می‌بندد که برای او تفیلا نخواند، انگار که برای همه جماعت تفیلا نخوانده است. همچنین اگر شخص کهن یکی از جماعت را دوست ندارد، نباید بیرکت کهنیم را بگوید. از اینجا متوجه می‌شویم قبل از خواندن تفیلا، باید دوستی و محبت بین جماعت مستقر باشد و راو کنیسا نیز باید همه جماعت را دوست داشته و فقط به این صورت می‌تواند آنها را راهنمایی نماید.

هأری زال توصیه می‌فرماید قبل از هر تفیلا باید نیت بست و میصوای "همنوع را به مانند خودت دوست بدار" را انجام داد. رسم این است که قبل از تفیلائی شخریت این میصوا را ذکر نموده تا روز خود را با محبت و دوستی نسبت به تمام قوم یسرائل شروع نماییم. شب نیز قبل از خواب، هنگام قرائت شمع یسرائل قبل از خواب باید ذکر نمود که هر کس که ما را عصبانی نموده است، می‌بخشیم. اگر واقعاً قبل از خواب چنین نیتی داشته باشیم، فردا صبح بسیار آسانتر می‌توان میصوای دوست داشتن همنوع را بجا آورد، حتی آنهایی که روز قبل ما را عصبانی کرده بودند. باشد رضای خد-اوند که میصوای احترام به همنوع و دوست داشتن همنوع را بجا آورده و به زودی مزکی به نجات کامل شویم.

در پاراشاهای ویקהل و پیقودی توراہ توضیح می‌دهد چگونه میشکان ساخته شد، از جمع‌آوری موارد لازم تا ساخت خود میشکان. یک نکته مهم که از خواندن و تأمل در این دو پاراشا می‌آموزیم این است که انسان به تنهایی عاجز از انجام برخی اعمال است اما وقتی همه با هم همکاری می‌کنند، هر کاری ممکن است.

نکته دوم اینکه برای ساخت میشکان موارد زیادی جمع‌آوری گشت، از طلا، نقره و مس گرفته تا سنگهای قیمتی و رنگ و پشم. درست است که ارزش پشم به ارزش طلا و سنگهای قیمتی نمی‌رسد، ولی بدون همین موارد ساده، ساخت میشکان امکان‌پذیر نبود و نور جلال-الهی در میان قوم مستقر نمی‌شد.

از این مورد می‌آموزیم هیچ کس در قوم یسرائل زیادی و اضافه نیست و همه باید با هم جمع شوند و تفیلا بخوانند تا نور جلال-الهی در بین قوم مستقر گردد. در میشکان، نخهای طلا همراه با نخهای پشمی بافته می‌شدند و سنگهای قیمتی روی لباس پشمی بودند، حلقه‌های طلائی، پارچه‌های چرمی را به هم متصل می‌کردند و غیره. ما نیز باید همه با هم بزرگ و کوچک در کنار هم متحد بوده و همبستگی داشته باشیم تا نور جلال-الهی در بین ما مستقر شود و هر چقدر محبت و دوستی بین ما بیشتر باشد، نعمت خد-اوندی نیز بیشتر شامل حال ما خواهد بود. به عنوان مثال، اگر فقط افراد مهم کنیسا، راو و گبای کنیسا بیایند، برای تفیلا یا به اندازه کافی، افراد نبوده و یا این تفیلا محترم نخواهد بود.

ایمان و اطمینان به خد-اوند

دوستان قدیمی او است. پس از احوالپرسی، هاراو خیمه مشکل خود را فرمود و پرسید: "این شبات چند مرد در هتل هست؟" مدیر هتل در پاسخ گفت: "فکر نکنم در این شبات بیش از پنج، شش مرد در هتل باشند و آنها نیز زیاد به تفیلائی جماعتی اهمیت نمی‌دهند. معمولاً در این شباتها فقط بانوان، مهمان هستند، سعی بر این است فقط کارکنان خانم در هتل باشند. ولی نگران نباشید، نزدیک هتل یک کنیسا هست که در آنجا می‌توانید تفیلائی جماعتی بخوانید."

ادامه از نشریه شماره قبل
هاراو خیمه زبید مشعول آماده شدن برای شبات بود که ناگاه متوجه شد در این شبات فقط بانوان هستند و تعداد مردان حاضر در هتل بسیار کم است و ممکن است برای تفیلاهای شبات نتوانند در هتل، تفیلائی جماعتی بخوانند. به همین جهت فوراً به نزد منشی هتل رفت و شماره تلفن مدیر هتل را درخواست نمود. نام مدیر هتل برای هاراو خیمه آشنا بود و وقتی هاراو خیمه به مدیر هتل زنگ زد، متوجه شد مدیر هتل یکی از

اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (رای، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

هاراو خیییم که تازه فهمیده بود ، خد-اوند او را از چه خطری نجات داده ، چشمان خود را به سوی آسمان بلند کرد و از خد-اوند تشکر نمود.
 پس از تفیلائی موساف ، یکی از جوانان با هاراو خیییم همراه شد تا با هم از راه میانبر بروند و آن سگ به هاراو خیییم ضربه‌ای نزنند. قبل از جدا شدن آن جوان به هاراو خیییم گفت: "جناب راو ، خیلی خوشحال شدیم که شبات در کنار ما بودید. ممکن است من جای دیگری مینخا بخوانم و شما را نبینم. به هر حال از شما تشکر می‌کنم. در ضمن اگر شب با اتوبوس برمی‌گردید و در این ایستگاه منتظر اتوبوس می‌شوید ، حواستان باشد که آخرین اتوبوس ، ساعت نه شب است و تقریباً از ساعت نه و نیم به بعد سر و کله دزدان پیدا می‌شود ، پس حواستان باشد."

هاراو به هتل بازگشت و پس از صرف صبحانه ، برای شاگردان دراشا نمود. بعد از ظهر نیز به کنیسا رفت ، تفیلائی مینخا را خواند ، در کنیسا سعودای وعده سوم را خورد و پس از تفیلائی عرویت به هتل بازگشت. سپس هودالا گفته و وسایل خود را جمع نمود و به ایستگاه اتوبوس رفت. ساعت نه و چند دقیقه اتوبوس رسید ، راننده درب را باز نمود و گفت: "اتوبوس پر است و من دیگر نمی‌توانم مسافر سوار کنم."

سپس درب را بست و رفت.
 هاراو خیییم نمی‌دانست چکار کند. ساعت نه و ربع بود و این آخرین اتوبوس به شهر بنی‌براک بود. هاراو خیییم دوباره وقایع دو روز قبل را به یاد آورد و دوباره ایمان خود را به خد-اوند قوی نمود و گفت: "همه چیز از جانب خد-اوند است و خد-اوند معجزه من را خواهد رساند."

یکی دو دقیقه بعد یک اتوبوس خالی آمد و از هاراو خیییم پرسید: "چرا اینجا ایستادی؟ مگر نمی‌دانی که آخرین اتوبوس ساعت نه است و شبها در این مکان دزدان بسیاری هستند؟"

هاراو خیییم فرمود: "اتوبوس ساعت نه ، من را سوار نکرد و گفت اتوبوس کاملاً پر است."
 راننده به هاراو خیییم گفت: "سوار شو."

سپس راننده با سرعت به حرکت افتاد و به آن اتوبوس رسید و گفت: "این راو را سوار کن ، من او را می‌شناسم. درست است که اتوبوس کاملاً پر است ، ولی نباید او را در بین راه تنها بگذاری."
 راننده اتوبوس بنی‌براک گفت: "اگر بیش از حد مسافر سوار کنم ، بازرس خط من را جریمه می‌کند."

راننده اتوبوس دوم کارتی از جیب خود بیرون آورد ، به راننده اول نشان داد و گفت: "من بازرس این خط هستم ، نترس ، هیچکس تو را جریمه نخواهد کرد."

سپس هاراو خیییم سوار اتوبوس شد و پس از تقریباً دو ساعت به خانه رسید. روی مبل نشست و تمام وقایع را دوباره مرور نمود و گفت: "من به معجزات ایمان دارم ، من می‌دانم که خد-اوند هست ، او خالق دنیا و قدرتمند یکتا است ، او معجزه را خواهد فرستاد ، او معجزه من را خواهد فرستاد."

در ایام بین پوریم و موعده پسخ به سر می‌بریم که در این دو ماه ، معجزات بسیاری برای جماعت اتفاق افتاده است. پس باید همواره ایمان خود را به

سپس مدیر هتل هاراو خیییم را راهنمایی نمود چگونه به این کنیسا برسد. پس از شنیدن راهنمایی ، هاراو خیییم با تعجب پرسید: "این کنیسا نزدیک است؟ طبق راهنمایی تو من باید نیم ساعت پیاده روی کنم."

مدیر هتل با لبخندی گفت: "بله ، بین ۳۰-۲۵ دقیقه پیاده‌روی دارید."
 هاراو خیییم با مدیر هتل خد-حافظی کرد و فوراً آماده شد و به سمت کنیسا به راه افتاد. وقتی به کنیسا رسید ، جماعت بسیار خوشحال شدند که شخصی به مانند هاراو خیییم مهمان آنها است. ایشان از هاراو خیییم تقاضا نمودند تا برای آنها دراشا بگویند و هاراو خیییم نیز موردی را در پاراشای هفته فرمود و پس از تفیلائی عرویت به هتل بازگشت. پس از صرف شام نیز برای شاگردان دراشا فرمود و داستان روز جمعه را برای آنها تعریف نمود و فرمود هیچ گاه نباید ایمان و امید را به خد-اوند از دست داد.

فردا صبح نیز هاراو خیییم به سمت کنیسا به راه افتاد. در بین راه متوجه راه میانبری شد که از بین باغهای میوه می‌گذشت. هاراو خیییم کمی نگاه کرد و متوجه شد که این راه مخصوص شخص و فرد بخصوصی نیست و می‌تواند مسیرش را بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه کوتاه نماید. هاراو خیییم نیز از همین راه بین باغها راهی کنیسا شد. هنوز چند قدمی برنداشته بود که سگی عظیم به دنبال او دوید. هاراو خیییم ابتدا ترسید ، ولی دوباره به یاد وقایع دیروز افتاد و ایمان خود را به خد-اوند قوی نمود و در زیر لب گفت: "اگر خد-ا نخواهد ، هیچ آسیبی به من نمی‌رسد..."

آن سگ به سمت هاراو خیییم دوید و همین که به او رسید ، فوراً ایستاد. هاراو خیییم یک قدم برداشت و آن سگ نیز یک قدم برداشت. سپس هاراو خیییم یک قدم دیگر برداشت و آن سگ نیز یک قدم به جلو آمد. به همین صورت هاراو خیییم ادامه داد تا این که دیگر به صورت عادی راه رفتند و به کنیسا رسیدند.

پس از تفیلائی شخریت و قرائت توره ، دوباره از هاراو خیییم درخواست شد که دراشا نماید و هاراو خیییم نیز تمام داستان روز جمعه را تعریف نمود و فرمود:

"شاید باور نکنید ، ولی همین امروز نیز خد-اوند به من کمک کرد و من یک راه میانبر پیدا کردم و در این راه میانبر نیز یک سگ می‌خواست به من حمله کند که من دوباره ایمان خود را به خد-اوند قوی کردم و نه تنها این سگ به من ضربه‌ای نزد ، بلکه در تمام طول راه مرا همراهی کرد و به مانند محافظ من بود."

هاراو خیییم متوجه شد که جماعت متعجبانه به وی نگاه می‌کنند. هاراو خیییم پرسید: "چیزی شده؟"

یکی از بین جماعت پرسید: "جناب راو ، شما از راه بین باغها آمدید؟" هاراو خیییم فرمود: "بله خوب"

آن شخص گفت: "جناب راو ، خد-اوند برای شما معجزه نموده ، معمولاً دزدان بسیاری در این حوالی هستند و محصولات ما را می‌دزدند و به همین جهت ما این سگ وحشی را خریدیم و در این راه قرار دادیم تا اگر فردی بدون اجازه وارد این راه شود ، این سگ به او حمله کند. هفته پیش نیز یک دزد وارد شده بود که این سگ به او حمله کرد و آن قدر آن دزد زخمی شد که کارش به بیمارستان کشید."

قوانین آماده کردن ظروف برای دסח

۴. ظروف و وسایلی که در طول ایام سال در تماس با مواد خامص هستند ، در ایام **דסח** غیر قابل استفاده می‌باشند مگر این که آنها را طبق روش صحیح ، کاشر و آماده نمود. زیرا که مواد خامص در جداره های ظروف بلعیده می‌شوند و باید خارج گردند. در روز **אדינת דסח** ، از ساعتی که استفاده از خامص ممنوع می‌گردد ، استفاده از ظروف مخصوص خامص نیز ممنوع می‌شود مگر اینکه کاشر گردند.
۵. در مورد کاشر کردن ظروف برای **דסח** یک قانون وجود دارد ، طبق این قانون روش کاشر کردن هر ظرف ، به همان طریقی است که از آن ظرف استفاده می‌شود. به عنوان مثال : وسیله یا ظرفی که معمولاً استفاده از آن با آتش مستقیم است ، روش کاشر کردن آن نیز ملتهب و گداخته کردن آن با آتش مستقیم است ، مانند سیخ کباب ، توری کباب ، قالبهای نان و شیرینی مورد استفاده در تنور یا فر که استفاده آنها بدون واسطه مایعات ، بلکه بوسیله آتش است. اگر احتمال دارد این ظروف با گداخته کردن با آتش خراب شوند ، تنها راه ممکن کنار گذاشتن آنها در یک کمد در بسته و استفاده از ظروف مخصوص **דסח** می‌باشد.
- نمونه دوم: وسیله یا ظرفی که به طور معمول ، استفاده از آن جوشاندن و پختن مواد در **דלי ראשון** (یعنی ظرف اول) است ، طریقه کاشر کردن آن نیز فرو بردن آن در آب جوش موجود در **דלי ראשון** می‌باشد ، که به این عمل **הגעלה בדלי ראשון** گفته می‌شود. (منظور از **דלי ראשון** ظرفی است که روی آتش قرار دارد و در آن مواد پخته یا جوشانده می‌شود). مثالهای این گروه عبارتند از : دیگهای فلزی برای پخت غذا و درپوش و دسته آنها که طریقه کاشر کردن آنها فرو بردن آنها در آب جوشی است که هنوز روی شعله آتش باشد.
- همچنین انواع چاقوها با فرو بردن آنها در آب جوش کاشر می‌شوند. (حتی اگر آب جوش روی شعله روشن نباشد). پایه‌های فلزی روی اجاق گاز که دیگ روی آنها قرار می‌گیرد ، باید با فرو بردن در آب جوش **דלי ראשון** که روی آتش قرار دارد ، کاشر شوند و اگر بجای فرو بردن در آب جوش ، روی آنها از **דלי ראשון** آب جوش ریخته شود نیز کافی است و چه بهتر که پس از این کار روی آنها را با کاغذ آلومینیومی نیز پوشانند.
- مثالهای دیگر این گروه عبارتند از انواع تابه که برای سرخ کردن مواد که طرز کاشر کردن آن فرو بردن در آب جوش **דלי ראשון** می‌باشد که هنوز روی آتش باشد و همچنین دیگ زودپز و تمام قطعات آن حتی لاستیک داخل درپوش آن و نیز هاون فلزی یا سنگی و همچنین ملاقه کشیدن غذا همگی با فرو بردن در آب جوش **דלי ראשון** کاشر می‌شوند.
۶. رسم است که ظروف را پس از **הגעלה** و فرو بردن در آب جوش با آب سرد می‌شویند.
۷. نمونه سوم ظروفی هستند که غذای داغ را از دیگ روی آتش ، داخل آنها می‌ریزیم مانند بشقابها و کاسه های فلزی که طریقه کاشر کردن آنها ، ریختن آب جوش از ظرف اول بر روی آنها می‌باشد. فلاسک آب جوش اگر در تماس با مواد خامص بوده است با ریختن آب جوش از **דלי ראשון** بر روی آن برای **דסח** کاشر می‌گردد.
۸. سنگ مرمر روی کابینت های آشپزخانه، با ریختن آب از ظرف اول کاشر می‌شود و اگر احتمال خراب شدن آن وجود دارد، کافی است آنها را پس از شستشوی اساسی با کاغذ آلومینیوم یا پوشش پلاستیکی پوشانید. ظرفشویی آشپزخانه با ریختن آب جوش از ظرف اول کاشر می‌شود. برخی برای اطمینان بیشتر ظرفشویی را با یک پوشش پلاستیکی مخصوص می‌پوشانند که لزومی ندارد این کار انجام شود ولی کسی که از این پوشش استفاده می‌کند از درجه بالاتری برخوردار است. کاشر کردن پلاطای شبات توسط ریختن آب جوش از ظرف اول می‌باشد ، ارجح است که روی آن را نیز با کاغذ آلومینیوم بپوشانیم.
۹. نمونه چهارم ظروفی هستند که به طور معمول استفاده آنها با ظرف دوم است. مانند بشقابهای فلزی یا پلاستیکی که ابتدا غذا را از دیگ روی آتش (**דלי ראשון**) داخل یک کاسه دیگر می‌ریزیم (ظرف دوم) و پس از این کاسه غذا را به داخل این بشقابهای فلزی یا پلاستیکی می‌ریزیم و همینطور قاشقها و چنگالهایی که معمولاً با ظرف دوم استفاده می‌شوند ، طریقه کاشر کردن آنها فرو بردن در آب گرم **דלי שני** یا ظرف دوم است. بدین صورت که ابتدا آب جوش را از ظرف اول به ظرف دیگری منتقل می‌کنیم و بعد این بشقابها ، قاشقها و چنگالها را داخل آن قرار می‌دهیم.
۱۰. نمونه پنجم ظروفی هستند که بطور معمول فقط با آب سرد استفاده می‌شوند مانند ظروف نقره ، جام قیدوش ، لیوانهایی که در آنها نوشیدنیهای خنک صرف می‌گردد و ظروفی که گوشت را قبل از نمک کردن داخل آن می‌خیسانند. چه این ظروف فلزی باشند و چه سفالی، چینی، شیشه ای یا پلاستیکی ، طریقه کاشر کردن آنها برای **דסח** خوب شستن و آبکشی کردن آنها با آب سرد است. حتی اگر گاهی از آنها برای غذای گرم به کار رفته است ، چون بیشتر با مواد سرد استفاده شده ، طریقه کاشر کردن آنها با آب سرد می‌باشد. اما اگر طی بیست و چهار ساعت گذشته برای غذای گرم استفاده شده‌اند ، بهتر است با آب داغ کاشر شوند.
۱۱. ظروف سفالی و چینی و سرامیک که استفاده آنها با غذای گرم و خامص بوده است، به هیچ طریقی نمی‌توان آنها را برای **דסח** کاشر نمود. زیرا در تورات صریحاً ذکر شده ظروف سفالی مواد بلعیده شده

16. در مورد رومیزی ، طریقه کاشر کردن آن شستن در آب داغی است که دست را می‌سوزاند (حدود 45 درجه سانتیگراد) و سفره مشمایی با ریختن آب داغ بر روی آن کاشر می‌گردد.

56. چرخ گوشت را باید הלילה نمود و قبل از فرو کردن قطعات آن در آب جوش ، باید خوب آن را تمیز نمود و با آب گرم و مواد تمیز کننده شستشو داد.

57. مخلوط کن برقی (میکسر): بدنه آن نیازی به کاشر کردن ندارد و کافی است که با آب و صابون تمیز شود (پس از جداکردن تمام قطعاتی که در آن جرم و کثیفی جمع می‌شود) و ظرف اصلی آن که مواد غذایی داخل آن ریخته می‌شود ، همانگونه که از آن استفاده شده ، کاشر می‌شود. یعنی اگر از آنها برای مخلوط کردن غذای داغ از **כלי ראשון** استفاده شده باید برای کاشر شدن روی آنها آب جوش از **כלי ראשון** بریزیم و اگر از آنها برای غذاهای ظرف دوم (**כלי שני**) استفاده شده ، طرز کاشر کردن آن در آب جوش از ظرف دوم می‌باشد و اگر فقط برای مواد سرد استفاده شده است ، با شستن توسط آب سرد کاشر می‌گردد.

58. ظروفی که کاشر کردن آنها با گداخته کردن در آتش است ، نیازی به تمیز کردن آنها قبل از گداخته کردن نیست زیرا آتش همه چیز را می‌سوزاند ولی ظروفی که کاشر کردن آنها با فرو کردن در آب جوش یا روشهای دیگر است باید از قبل و ابتدا کاملاً تمیز شوند و هیچ کثیفی ، چربی یا زنگ‌زدگی روی آنها نماند. ظروف آلومینیوم که حفره های سیاه رنگ روی آن جمع می‌شوند ، باید خوب تمیز شوند. جایگاه و جعبه مخصوص نان : توسط شستن و آبکشی کردن با آب معمولی.

59. کاشر کردن شیشه شیر کودک توسط ریختن آب جوش از ظرف اول بر روی آن می‌باشد و اگر جنس آن شیشه ای است مثل سایر بطریهای شیشه ای نیازی به کاشر کردن ندارد تنها باید دقت شود که شیشه کودک به طور کامل از باقیمانده‌های مواد غذایی داخل آن تمیز و پاک گردد. (ظرف اول ، ظرفی است که روی منبع حرارتی مثل آتش قرار داشته و حاوی آب جوش می‌باشد).

در خود را به هیچ عنوان بیرون نمی‌دهند ، اما به هر حال اگر استفاده آنها فقط با مواد سرد بوده است می‌توان آنها را با شستشو با آب سرد کاشر نمود. اگر مواد خامص و سرد به مدت بیست و چهار ساعت متوالی در این ظروف سفالی یا چینی و سرامیک باقی مانده باشد طریقه کاشر کردن آنها ریختن آب سرد در آنها به مدت بیست و چهار ساعت و خالی نمودن و مجدداً پر کردن آنها برای بیست و چهار ساعت و خالی کردن آن و تکرار این عمل تا سه روز متوالی است.

60. ظروف شیشه‌ای ، مواد را جذب یا دفع نمی‌کنند پس نیازی به کاشر کردن برای **כסא** ندارند و کافی است که آنها را با آب سرد شستشو داد حتی اگر از بطری برای غذاهای گرم استفاده شده باشد.

61. ظروف چوبی ، سنگی ، استخوانی و پلاستیکی طریقه کاشر کردن آنها دقیقاً مثل سایر ظروف فلزی است که شرح داده شد.

62. در مورد دندان مصنوعی لازم نیست که آنها را در آب جوش فرو نمود ، کافی است آنها را خوب با آب سرد شستشو داد. به هر جهت بهتر است بر آنها از **כלי ראשון** آب جوش ریخته شود.

63. تنور یا فر را باید به طور اساسی از هر گونه مواد غذایی و چربی تمیز کرد سپس به مدت بیست و چهار ساعت آن را بدون استفاده باقی گذاشت سپس به مدت یک یا دو ساعت آن را با حرارت بالا روشن گذاشت تا بتوان در **כסא** از آن استفاده نمود.

64. یخچال و تمام قطعات آن با شستن با آب سرد کاشر می‌شوند و نیازی به ریختن آب جوش بر آنها وجود ندارد.

65. میزهایی که در طول سال بر آنها خامص خورده می‌شود ، اگر همیشه روی آنها با سفره یا رو میزی پوشیده بوده است نیازی به کاشر کردن ندارد فقط آنها را خوب پاک می‌کنیم و با سفره یا رومیزی تمیز می‌پوشانیم . اما اگر در طول سال روی میز همیشه با سفره پوشیده نبوده است، رسم است که آنها را با ریختن آب جوش از ظرف اول کاشر می‌کنیم و اگر جنس میز به صورتی است که احتمال دارد با ریختن آب جوش آسیب ببیند ، کافی می‌باشد با دقت آن را تمیز و پاک نماید و با یک رو میزی یا سفره تمیز پوشاند.

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد:

* **ירוئشالییم:** بازار مخנה יהודה ، خیابان אפרסק ، فروشگاه آقای یوسف کهن تلفن 058-0836955

* **ירוئشالییم:** گئولا ، خیابان מלפי ایسرائل شماره 25 فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** خیابان עליا شماره 23 ، آقای کهن فولادی * **فولون:** בית הכנסת צעירי איראן ، בית הכנסת מגן דוד

* **کفرسابا:** آقای מוטי کهن تلفن 052-3561529 * **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن 052-8684884

* **بيتا:** فانهاده آقای نورانی تلفن 054-8428936

* امکان دریافت این نشریه از تارنمای <http://www.ladaat.info/gilyonot.aspx?view=1> وجود دارد.